

تکمیل شماره هارپال ارگان
اتحادیه کمونیستهای ایران

حقیقت

شماره ۱۳۱ ۳ تیر ۱۳۶۰

پیام رئیس جمهور

۳۱ خرداد ۱۳۶۰

بخشهایی از

پیام های ۲۹ خرداد رئیس جمهور

ای رفقا! بیایید متحد شویم!

ای رفقای کارگر! بیایدیت از پراکنده کاری و پراکنده اندیشی، از انفعال، از خطر سازیها و آشوبی باقیهای گوناگون بکشید و صف را یکی کنید. مردم ایران با رد دیگر در برابر دیدگان حسرت زده، جهانپیان و بیکوری چشم ابر قدرتها و نوکران قدیم و جدید آنها ثابت میکنند که پرچم داران راستین قیام توده های در بند و ملل ستمدیده عالم در این برهه از تاریخ است.

ای رفقای روشنگر! ای برادران و خواهران همملکی که همه مراسم کمونسم تعدیدید! ای کمونیستهای ایران و آذربایجان! ای رفقای کیلانی و مازندرانی و ترکمن و خراسانی! ای یاران امفهان و سرازو کرمان و خوزستان! ای رهروان کرد و هندوستانی و بلوچ و کرمانشاهی پروولتاریا! یکبار حرف با را شنوید و

مردم ایران با رد دیگر بهمن و ارسوی بهمنی نومیروند تا تکلیف خود را با این شاه نو، رستاخیز شو، مجلس فرمایشی تو، هویداها، نصیریها، ازها ریهها، بختیارها، و شورای سلطنتی نو، که بنام نمایندگان جمهوری سرکشور تحمیل شده اند، بیکره کنند، بیکره خواهند کرد. سر اسرا بکشین سر زمین را هم اکنون التهایی سوزان فرا گرفته و در هر گوشه

این کشور شعله های پراکنده، مردم زبانها تکلیف خود را با این شعله های یکی با یکدیگر خواهند داد. این شعله ها با یکدیگر خواهند شد و این شعله ها با یکدیگر خواهند شد و این شعله ها با یکدیگر خواهند شد.

ملت ایران انتقام خون زندانیان در بندی را که ناجوانمردانه اعدام شدند

باز خواهد ستاند

نغمه در نغمه خون غلغله زد، تندرست شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد

ختم هر اختر جوینده که در خون میگفت برق خنمی زد و برگردد شب خنجر شد

۹ صفحه

انقلاب اسلامی (درمید) فشرشد

روزنامه انقلاب اسلامی که در ۱۶ خرداد توسط کودتاچی حاکم " توقیف " شد دوباره با نام " انقلاب اسلامی (درمید) " در قطع کوچک شروع به انتشار در مابین اقدام درست و بموقع نویسندگان و کارکنان " انقلاب اسلامی " را استقبال میکنیم و بر این موفقیات آرزو میکنیم. ما بنا به تمهیدی که به آزادی و آزادی خواهی، به مبارزه در راه استقلال و راهی ملی و نیک بخش زحمتکشان ملت بزرگمان داریم، از هرگونه کمکی به " انقلاب اسلامی (درمید) " دریغ نخواهیم ورزید.

« امسال سال خون است » « بهشتی سرنگون است »

تظاهرات کارگران شهر صنعتی البرز ۶۰/۳/۲۷

پیام به پزشکان ، پزشکیاران و پرستاران کشور

۱۷۷ خائن به خلع بنی صدر رای دادند

نامه سرگشاده استاد علی تهرانی به آقای خمینی

پیام ۳۱ خرداد رئیس جمهور

مردم مسلمان ایران

همه شما شا هدوتما شا گر نما بیشنا مه غم انگیز ، سراسر دروغ و بیگانه‌های که در جو ترور و و انت در نخستین مجلس نخستین جمهوری ما بازیگری ، بازیگران عذب جمهوری اجراء میشود ، هستید . این عمل یک ضربه نیست . انهدام جمهوری اسلامی است . مسابقه در دروغ و بیعتان زن و ... حکایت روشنی از سقوط همه جان‌بهای است . سقوطی که تنها استقامت یکپارچه شما مردم میتواند راه نجات برای آن باشد .

مردم مسلمان ایران

ما اینکه اینجا نب با رها اما کی خود را برای استعفاء اظهار کرده بودم ، طراحان طرح کوبای خزیده ترجیح دادند " عمل جراحی " نکنند تا مردم را لی کنند رای وسیل و غلاته و خواست آنها ، دیگر هیچگونه اعتباری ندارد . پیداست که از این پس تنها کسانی حق دارند انتخاب بشوند که " قیم " ها معرفی میکنند ، چرا که رای عدم ثبات رئیس جمهوری ، به معنای رای به ناتوانی شما مردم در تشخیص است . معنی رای به عدم کفایت رئیس جمهوری اینست که شما نه در وقت رای دادن بی به کفایت اینجا نب برده اید و نه در این بحال ونیم گسه پیوسته حمایت کرده اید .

مردم مسلمان ایران

دادستانی " انقلاب " دفتر رئیس جمهوری را اشغال کرده است و از حضور کارمندان جلوگیری میکند . همکاران اینجا نب راه را همی . یا بند توقیف میکنند و از سرنوشت آنها خبری نیست .

منزل اقوام نزدیک اینجا نب بدلائل واهی " بازرسی " میشود .

و آنچه در کوچه و خیابان بر سر شما و فرزندان شما می‌آورد و آنچه در دستگاه تبلیغاتی میبینید و میخوانید ، را خود بهتر از اینجا نب میدانید .

اینها همه آشکار میگرداند که سال برآستی سال " قانسون " است . آنچه نمیدانستیم و بسیار دیدار نیستیم اینست که در منطق حاکمان مستبد ، قانون یعنی حکومت چماق و زندان و اعدام .

مردم مسلمان ایران

بسیار نه‌ای که برای سربریدن رئیس جمهوری تراشیده‌اند اینست که او با گروه‌هایی ائتلاف کرده است . ائتلاف واقعی همانست که میان وابسته‌های شرق و غرب واقع شده است و این آتش بنیادکن را بوجود آورده است . اینجا نب بعنوان رئیس جمهوری منتخب عموم مردم ، نمیتوانستم در هیچ ائتلافی وارد شوم و تا این زمان نیز وارد نشده‌ام و هر چه عنوان میکنند کذب محض است و اگر دیدنی دارند یا پدیدانند خدا از اینگونه بیانه تراشی آنچه برای شوجیه جنایتی بزرگ نسبت به جمهوری نمی گذرد و اگر ائتلاف و وحدتی صورت گرفته است میان اینجا نب با اکثریت قریب به اتفاق مردم مستضعف و مخووم ایران است گسه در همه شهرها و روستاهای کشور گرفتار انواع محرومیتها و تنگنای

سرنوشت میهن خویش هستند .

مردم مسلمان ایران

اینجا نب با کمال صداقت و استقامت به بیای شی سنگین مسئولیت خود را به انجام رساندم ، سرنوشت کشور ، سرنوشت شماست . خود با یاد آنرا در دست بگیرید . از تهدیدها نترسید ، تهدیدها هر چه بزرگتر ، بیشتر بیا نگر دست خالی تهدیدکنندگان است . نکنند در تردید و ابهام وقت بگذرانید و زمانی بخود می‌آید که بسیار دیر شده باشد . اینجا نب با همه آنچه از ظلم در باره ام کرده اند و با همه خرابیها که می‌آوردند ، به توانائی نسل امروز مومتم و یقین دارم که ملت ، زود و بسیار زود ، استبداد جدید را هم از پیش پا بر میدارند و انقلاب ادامه می‌یابد . همه وجود اینجا نب امید به نسل امروز ، به اراده ، به شعور ، به استقامت او است و روزها و هفته‌های آینده نشان میدهد که این نسل چگونه در برابر استبداد بیان و کودتاگران می‌ایستد ، در برابر کودتاگرانی می‌ایستد که خطرهای بزرگ برای موجودیت اسلام و کشور فراهم کرده اند ، و بدانید هر وقت شما مردم بخوا هید به مسئولیتی که شما بر عهده اینجا نب گذاشته اید ، عمل میکنم .

شاد و پیروز باشید

سی و یکم خرداد ماه ۱۳۶۰

ابوالحسن بنی صدر

از پیام ۲۹ خرداد خطاب به

ارتشپان

..... شما خود بمن گزارشائی دادید حاکی از اینکه برای جناحی که با تمام توان میکوشد استبداد سیاهی را به کشور ما تحمیل کند همه کارها بیدگرد و نگذاشت ارتش تحت فرماندهی بنی صدر پیروز شود . در این سخن نوه امام راست است . شما هم میدانید که راست است . آنها میگفتند خوزستان از دست برود بهتر از اینست که بنی صدر پیروز بشود . همه گونه کارشکنی در کار جنگ انجام گرفت . امروز سیاست در ارتش هروشین خوانده شده است اما شما میدانید که تا وقتی من فرمانده بودم لحظه‌ای از تحریک سیاسی در ارتش بر ضد فرمانده کل نیروهای مسلح خود داری نمیگردند . شما خود با رها از فعالیتهای حزب جمهوری اسلامی تحت پوشش سازمان سیاسی - ایدئولوژیک بمن شکا بست کردید . کارگردانان این حزب هر روز در این و آن پایگاه سخن رانی داشتند

..... داستان کنار زدن من از فرماندهی نیروهای مسلح و زیادت جمهوری داستان تازه‌ای نیست توطئه ایستگاه اینست که بقیه در صفحه ۴

پیام رئیس جمهور

بقیه از صفحه ۳

نتیجه رسیده است. اما آغاز آن، آغاز انتخاب من است بلکه ریاست جمهوری، با اینحال از اوائل خرداد توطئه گران کار را تمام شده میدانستند. بقرار اطلاعاتی که یافتیم، اینها کسدر شورای دفاع میگفتند یکسال دیگر جنگ را ادامه میدهم بسیاری مسائل ماحل میشود و جنگ را تا سرنگونی صدام ادامه میدهم، هر چه وسائل لازم است فراهم میکنیم و از این قبیل مطالب، با رئیس هیئت اسلامی که برای پایان دادن جنگ با درمیانسی میکرد تماس گرفتند تا بلکه جنگ را تمام کنند، با شرایط خیلی ساده ای هم خواستند به این نتیجه برسند. فرماندهان شما، آنها که عضو شورای دفاع هستند میدانند و گواهند، صورت جلسات هم موجود است. اینک نقش شما تعیین کننده است. ایندستان دیگر استان گروگانها نیست که با ترقای رنگان تسلیم بشوند، میبایستی از بول ملت فقیر با آمریکا ثیان بدهند و حیثیتی بزرگ از انقلاب کشور بریا بدهند. اینک پستای موجودیت مادر میان است.....

پس پس شما فرزندان میهن اسلامی، برادران من، همسنگرها، درسنگرهای خود بمانید، سنگرهای دشمن را تصرف کنید. هر آینه ای بدینکار بسته است. شمع نکنید اگر من در این لحظات با شما اینطور صحبت میکنم. سرنوشتی که برای من تدارک کرده اند سرنوشت شخصی من نیست. سرنوشت میهن است. سرنوشت یک نسل است. نسل جوان بیروز کشور، نسل که حقیق دار در رد کنند و در این بین گیتی طر بیخود را اندازد. نسل که سهمین قصدا انقلاب کرد و اینک میخواهند و راه ما تم این انقلاب بنشانند.....

.... شما همواره باید از تحمیل یک حاکمیت سیاسی استبدادی چه وسیله خود، چه با بازی کردن نقش وسیله برای دیگران خودداری کنید تا مردم ما اتکاء به نفس پیدا نکنند، رشد کنند و کشور خویش را به پیش ببرند. من با شما خدا حافظی نمی کنم برای اینکه همواره خود را در کنار شما می بینم، اما شما میگویم فرزندان میهن، استوار باشید. ایران در وجود شما میجنکد. چنان بجنگید که در فتح و شکست معرف اعتماد به نفس، استحکام اراده و توانائی و پایداری ملت خویش باشید. ابوالحسن سنی مدر خدا یا رومد دکار شما باد.

۲۹ خرداد ۱۳۶۰

از پیام ۲۹ خرداد خطاب به ملت

..... مردم ایران، زنان، مردان، مسئولیت شما سنگین است. بجنید، مراقب باشید، میهن شما در خطرات، انقلاب اسلامی شما در خطرات است. از من دفاع نکنید، از من حمایت نکنید، از موجودیت خودتان بعنوان یک ملت، از حق خودتان بکس عنوان یک نسل نیاز مند به رشد و آزادی دفاع کنید و حمایت کنید.

مردم کشور، شاه یک آدمی با هیکل مشخصات معین و نام معلوم نیست. شاه یک رسم بوده است. ببینید این رسم در کجاست؟

بروز شما را داند و شما را بدهند که پرا مثل شاه کنایه میزنند. اما ببینید شاه کیست؟ آیا شاه مردم کشور را هر مردی می یافتند که نسبت به استقلال ایران دلسوزی داشت؟ میخواست پولهای ما را خارجی ببرد، نفت ما را خارجی ببرد، بودجه ما طوری خرج نشود که نفع خارجی، آمریکا شی ذرا و باشد؟ قطعا نه. این کارها را در نفع آمریکا تنها میکرد. حالا ببینید چه گروهی همان کارها را میکنند و گناه من جز اینکه قرا را در دنیا آمریکا را در دنیا راه گروگانها افشاء کرده ام، جز اینکه قرا را در دنیا لیبوت را افشاء کرده ام، جز اینکه فروش نفت را بمقدار زیاد این بودجه ای که بدتر از بودجه های شاه است افشاء کرده ام چیست؟ شاه شما جوانهای محروم را میگرفت، شکنجه میکرد، میگفت و یک اقلیتی میلیون میلیون بلکه بیلبارد میلبارد بخوردند و ببرند. خود میخورد و میخوراند. من در تمام مدتیکه شما خدمت کرده ام دیناری حقوق نگرفته ام، هیچ بذل و بخششی نگرفته ام، و به شما میگویم در سخت آزاد در باره، بوده گفتند ما نمیتوانیم از آنها که سوده های کلانی در تجارت با خارجی برده اند مالیات وصول بکنیم چون نمیتوانستیم در بودجه هم نیا وردیم. میدانید چرا نمیتوانند از آنها مالیات بگیرند؟ برای آنکه بدون آنها، راستگی ممکن نمیشود. البته وقتی دولتی ما جز شد از آنها مالیات بگیرد با ید استبداد سیاسی برقرار کند تا شما مردم محروم و تشنه و بحال خود را شده امروز ایران نتوانید اعتراض کنید، ببینید چرا اینطور؟ پس در این مسئله هم، رفتار و روش من برفداهاست. اما آیا شاه جاست تا اجرای قانون بود؟ شاه نبود که حتی قوانین خود را هم، قوانینی را که خود بیه تصویب میرباید اجرا نمیکرد؟ و حالا چه کسانی همان قانون اساسی را که خود بیه تصویب رسانده اند اجرا نمیکند؟ شاه دهن ها را نمی بست، قلمها را نمیشکست؟ آیا این منم که با ما نسور و بستن دهنها و شکستن قلمها موافقم؟ یا در مت با این دلیل که با این کارها مخالفم در این وضع قرار گرفته ام که حسرا در آن قرار دادند؟ شاه سابق میگفت کسی در این کشور حق مخالفت با او را ندارد و اگر کسی با او مخالفت میکرد سرنوشتی جز زندان، داغ، درفش، محکومیت و اعدام نداشت. مگر اینکه میامسد توبه نامه مینوشت و در راه دیوتلوویزیون میخواند. آیا من تا بحال کسی را از حق مخالفت محروم کرده ام؟ و شما میدانید چه کسانی میخواهند این حق را از همه بستانند؟ عدم کفایت من در چیست؟ جز همین اعتراضها به استبداد سیاسی که در کار ایجاد آندند؟ شاه سابق دانشگاه را محلی میخواست که افراد، نیروی انسانی لازم برای دستگاه گسترده حکومت استبدادی او فراهم آورند و حالا چه کسانی میخواهند دانشگاهها را با این صورت در آورند؟ آیا این من نیستم که در مقابل تبدیل دانشگاه به ماشین ابزار سازی مخالفت میکنم؟ شاه سابق رای مردم را به حساب نمیآورد. برای مردم حق رای قائل نبود و میگفت: مردم بیسوادند، جا هلند و نمیتوانند در باره سرنوشت کشورشان تصمیم های عالقلانه بگیرند. از اتفاق، روزیکه من میخواستم تا مزد ریاست جمهوری بشوم من این حرف زده شد که در سوع حکومتی که ما داریم میخواهیم ایجاد بکنیم صحت از رای مردم فقط برای اینست که دهن، دهان دنیا را ببندیم که نتوانند در اینجا رای مردم حساب نیست. یک گناه من اینست که به رای شما مردم انتخاب شدم و شما بینه حزب جمهوری نیستم خوب، حالا چه کسی نی برای رای شما مردم بیشیزی ارزش و اجزای قائل نیستند و

مجلس رای به خلع بنی صدر از ریاست جمهوری داد

اکنون بر ملت ایران است تکلیف خود را با این حکومت روشن کند

روزیکشنبه ۳۱ خرداد مجلس شورای اسلامی با اکثریت ۱۷۷ رای، رای به عدم کفایت سیاسی ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور کشور را دو با این رای ۱۷۷ خائن را به مردم ایران معرفی کرد.

اکنون برای مردم ایران تکلیف ۱۷۷ خائن رسا روشن شده است.

اکنون برای مردم ایران روشن شده این مجلس مجلسی است فرحانی و آلت دستند از همان نوع مجالس محدرما - شاهی که سیخ روارانده و نظیر آسیا را نما بندگی میکند. این مجلس تکلیف خود را سا ملت روشن کرد و اکنون ملت است که باید تکلیف خود را سا

این مجلس و وکلای خائنین آن، با سردمداران و طرفداران این مجلس، روشن کند.

قرار بر اینست که خمینی به استناد رای این مجلس بنی صدر را از ریاست جمهوری عزل کند، و در پی آن هیئتی متشکل از سه عنصر منصف - پستی، رقت جانی و رجانسی، بنام شورای ریاست جمهوری اولاً - ریاست جمهوری را بر عهده گیرند. بدینسان پیرو از کودتا با صورت ظاهر قانونی بی پایان رسیده و برده دوم آن یعنی بگرد و کشتار دسته جمعی مردم و کلیه نیرو - های سیاسی ترقیخواه آغاز خواهد گشت.

از هم اکنون و بدینحال رای خائنان و طرفداران این مجلس، اعلام شده است.

وضع کاملاً روشن است، و اکنون بر مردم قهرمان ایران است که حرف نهائی خود را بزنند و حساب خود را با این پست فطرت ها روشن کنند.

اکنون بر کارگران ایران است که نظر آخر خود را اعلام کنند و قدرت شکستناپذیر خود را پس از این بی خبران نشان دهند.

اکنون بر کارمندان ادارات و بانکیها و صاحبان مشاغل مختلف و بازاریبان و دیگر قشرهای مردم است که رای خود را بر از داشته و کار - آتی اقدام جمعی خود را سا

این بی میزبان حالی کنید. اکنون بر سر بزازان و درجه داران و هافران و افسران آزادبخواه و کلیه عناصر شریف و متممها یزر نهادهای مسلح کشور است که کلام نهائی خود را بر از داشته و نیرومندی خویش را به این خیره سران اثبات گردانند.

اکنون بر تمامی ملت است که حاکمیت خود را با شدت ثابت گردانند و به این اقلیت ناچیز و خودبناخچه بقمها بندگه شتی پوشال پیش نیتند.

مرگ برخیا نتکاران!

سرتگون باد حکومت استبداد در پرده دیدن!

برافراشته با دپرجم قیام همگانی مردم ایران!

پیام رئیس جمهور

دوره شاه بیدار شده، توانین اختناق قی یکی پس از دیگری تا ده میشوند. کشور علاوه بر جنگ خارجی، جنگ داخلی، در یک نا امنی عمومی، میوزد، اقتصاد در فلج کامل، جامعه، جوان بیست حکومت عاقلها، عاقل - های نادان، چگونه میتوان عاقل و نادان بود؟ این همان معنائی است که نسل امروز باید حل کند. اگر اینها عقل میباشند، دانائی هم بدست میآوردند. با همه این وضعیت، نسل جوان امروز نمی باید خود را سه یا سه چهارم من باشم و چه نیاشم..... خواهی، برادر من، من ترا پس استقامت خواندم، تو نیز مرا به استقامت خواندی. یاد میآوری روزهای نخستین ریاست جمهوری مرا؟ هر دو، من و تو پیمان بستیم بر عهد خود وفا کنیم، وقت، وقت وفای به عهد است. بایست و سرنوشت... (نوار سهمینجا خاتمه یافت)

ابوالحسن بنی صدر
۲۹ خرداد ۱۳۶۵

توضیح: هر دو متن از نوار بیام رئیس جمهور پیاپی شده است.

اگر شما حرف میزنند فقط برای اینست که شما، جماعتها راه خیابانها نکشد؟ خوب، پس وقتی همه ابزار قدرت استبدادی به صدر رئیس جمهوری عمل میکنند و این رئیس جمهوری برضدهمه، این اسباب عمل میکند، در حقیقت مبارزه همان مبارزه است، انقلاب همان انقلاب است. امریکه هست و به گمان من مهم، اینست که کسانیکه میخواهند این استبداد را به سر قیمت برکنور ما حاکم بکنند. واقعیت بزرگ غافلند. آن واقعیت اینست که جامعه ما جوان است، جوان نه تنها نمیتواند در سکون و حمود زندگی کند، نه تنها نمیتواند در ظرف زمان حال زندگی کند بلکه نیروی محرکه، دگرگونی است و باز زنده آینه جوان بدون رشد، بدون تکامل، بدون ترقی معنا و مفهوم ندارد. این مفا هم بدون آزادی بدست نمیآید. اینست که تا کشور مستقل و آزاد شود، نسل امروز نسلی است محکوم به سکون، نه حمود، به وابستگی. اینست که نسل امروز به اسلامی نیاز دارد که بدو امکان رشد، امکان بارور کردن اندیشه بدهد. چون چنین است نتیجه، وضع موجود او را، نسل جوان امروز را بر میانگیزد که کار و تلاش کند. و همین، و همینیم که وضعیت را دگرگون میکند. امروز نتیجه حکومت حزب جمهوری سرکشور، حزب که چه بگویم یک گروه معین بنام حزب، وابستگی اقتصادی، گرانی روز افزون، نا امنی تاسدان حاکم رئیس جمهور کشور به رای ۹۹ میلیون در این مقام قرار گرفته است و هیچ چیز خود امنیت ندارد. بساط بیرونده سازی و ساواک با زنی ته روان

پرت و پلا گوئی

و این سردمداران، نه تنها دو پست فطرت و خائن و مشکوک هیچ ندای مخالف خوانی، تحمل نخواهند کرد. آنها به عدهای مطیع و خلقه بگوش نه دارند. "بردار دعایی" و دیگران باید تکلیف خودشان، خودشان معین کنند!

امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است!

نظارات کارگران شهر صنعتی البرز (۶۰/۳/۲۷)

کارگران انقلابی، هم مینهان مبارزین صبح روز چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷ سرتیگ کفایت "انقلاب اسلامی" شهر صنعتی البرز (قزوین) کارگران و ادعوت میکنند که در ساعت یک بعد از ظهر هما نروزی برای شنیدن سخنرانی استاندار زنجان و فرماندار قزوین که هر دو از عنا بر سر سپرده حزب جمهوری اسلامی هستند، در جلومکته شهر صنعتی البرز اجتماع کنند.

آقایان استاندار و فرماندار قزوین قصد داشتند تحت لوای بهشتیانی از "ولایت فقیه" و کویپیدن رئیس جمهور (بنی-صدر) به نحسب کارگران سرداخته واقهان را سزای بدیگرش توطئه، کودتای خائنه ای که درسی ساده کردنش هستند آماده سازند. لیکن کارگران سارزکار خاتجات شهر صنعتی البرز و مردم قزوین با هوشیاری و دلآوری دسیه این آقایان را به نسد آسان و آریایان حزبی شان میدل ساختند.

در ساعت یک بعد از ظهر سحر ۳۰۰ تن از کارگران نا آگاه و ساری خورده، عضو "احسب های اسلامی" هیچ کارگری در مقابل کسبه شهر صنعتی جمع نشد. کارگران به محض تعطیل شدن در جلوی یکی از کارخانه ها تجمع کرده اند حمل عکس بزرگی از بنی-صدر، عکس از شادروان طالقانی و نیز پرچم به رنگ ایران شروع به راهسماشی میکنند. کارگران که جمعیتی بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر بودند در صفوف بهم فشرده و منظم به طرف شهر قزوین و سرون ارمحوطه، کارخاسحات فصدیه حرکت میکنند. طاهر خانی سررسب کسبه شهر صنعتی البرز که فو بدنام و شروری است و تنامی کارگران از این عنصر کثیف مترچر هستند به قصد مانعیت از حرکت کارگران یسمت شهر به جلوی جمعیت آمد. کارگران که از این حرکت طاهر خانی حسان بالا رنده بود، اورا چپیده و کتک مقلی را نوش جانتش بیگند و سس اورا به جوی آب انداخته و ریشش را لجن مال میکنند. کارگران با مشت های گره کرده و پای کوبان در حالیکه طرف شهر قزوین راهسماشی میکردند شعار میدادند:

- بنی صدر، بنی صدر حیاتت میکنیم
- بهشتی، بهشتی درسه درت میکنیم
- فرمانده، کل قوا بنی صدر
- مرگ بر بهشتی، مرگ بر رجائی
- دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند
- مسلمان بیایز، حزب شده رستا حیز
- حزب چماق بدستان، باید بیره گورستان
- بهشتی، بهشتی طالقانی را توکشتی
- کارگران بیدارند، از بهشتی بیزارند
- امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است

در این هنگام کارگران شیفت بعد از ظهر هم با سرویس ها از شهر آمده و به کارگران نظا هرکننده می سیوندند. اکنون دیگر تعداد کارگران نظا هرکننده به ۱۵۰۰۰ نفر میرسید. نرسیده به سه راهی شهر صنعتی کارگران با آ هیولانسی روبرو شدند که از درون آن بظرفشان تیراندازی میشد. چند نفر از کارگران تیر خورده، در خون غلتیده و زمین افتادند. کارگران با شاهده ایسین

جنا نت چکنه چو فان جمهوری اسلامی خشکین شده و به طرف آ هیولانسی حمله بردند. هیولانسی فرار از برقرار ترجیح میدهد و در این بین بین ۲ الی ۳ نفر از پاسداران ژ-۳ بدست جا میمانند. کارگران با پاسداران را که در حال فرار بودند تعقیب کرده و آنها را دستگیر و خلع سلاح میکنند و در ضمن کتک مقلی هم به آنها می زند. کارگران به حرکت خود به طرف شهر ادامه داده و با خشم شعار میدادند:

- مسلمان بیایز برادر کارگر کشته شد
- برادر کارگر شهادتت مبارک
- بهشتی، بهشتی کارگر را توکشتی
- بهشتی خیانت میکند، پاسدار حیاتت میکند
- امسال سال خون است، بهشتی سرفگون است

کارگران در میرحاده، تسدیم سهران - سروس در حیاتل حرکت یوندند که در نزدیکی هتل تی بی تی قزوین با سدا تومبیل سیمرخ سملوا از پاسداران مسلح روبرو شدند. پاسداران به محض بیاده شدن از تومبیل ها به طرف کارگران حرکت میکنند که با مقابله و کتک کارگران روبرو میشوند و سید رنگ سوی کارگران شلیک میکنند. تعدادی از کارگران را زخمی و تعدادی دیگر را نیز شهادت میرسانند. کارگران سدا زمدتی مقابله با شلیک و آخر در میان باغها و کشتزارها پراکنده شده و دسته دسته از طرف جاده به طرف شهر میمانند. خانواده های کارگران و مسردم شهر قزوین با اطلاع یافتن از این خبر به طرف دروازه شهر قزوین سواستقال کارگران سوا زوقهرمان حرکت کردند. در دروازه شهر، خانواده های کارگران و مردم شهر قزوین منظر کارگران سوندند و کارگران دسته دسته از زمان باغات سه شهروا رده شده و خیرشهادت رسیدن و زخمی شدن سرادران همرزمان راه مردم میریاندند. حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر سیاه بان سدازان چندمی تی بسوس با سدا ر مسلح در دروازه شهر مستقر کرده و در سطح شهر با بلندگو اعلام میکرده که "مردم برای مقابله با گروهکهای ضد انقلاب در دروازه شهر تجمع کنید". سپاه پاسداران بعد از چند ساعت گشتن در شهر و جازدن حدود ۳۰۰ نفر چماق دار با بیل، کلنگ، چماق و قمه در مقابل دروازه جمع کرد و آنها را سدا دان شعارهایی چون "مرگ بر بنی صدر"، "حزب فقط حزب الله" به طرف مردم حاضر در آنجا حمله میکرده اند. آنها کارگرانی را که به طرف شهر میمانند کترشک میبردند دستگیر میکردند و تحویل سپاه پاسداران میدادند و بدین ترتیب تعدادی کارگر را دستگیر کردند. در عصرها نروز، تمامی مردم شهر سوبیژه اهالی محله های کارگر نشین از خانه بیرون آمده و سرحها راه ها و میادین شهر جمع شده و در مورد مسائل سیاسی روز و مبارزه کارگران و کشتار ددمنشانه ارتجاع حاکم بحث میکردند.

پاسداران و چماق داران حزب جمهوری نیز در سطح شهر مرتب به گشت و شعار دادن مشغول بودند و خیال خود شهر را کنترل میکردند.

کارگران مبارز و همشهریان قزوینی :
هما نظوریکه با حرکت متحدا نه خود،

پرت و پلاگویی روزنامه جمهوری

اسلامی

۲ - روزنامه جمهوری اسلامی پس از آنکه در مورد "اتحادیه" اظهار راحیه فرمودند به پروپا چه "اطلاعات جوانان" که با ما بسه مباحثه نوشته است پیچیده و میگوید: "ما نظر بر اردعائی (مدیر اطلاعات) را به جریان ناتی که در این نشریه میگذرد جلب مکنیم... و هشدار میدهم که این جریان نمیتواند با توطئه را همیما نسی ۲۵ خرداد از سوی گروهکهای منافق و ضد انقلاب بی ارتباط باشد" البته از این به بعد نوشته جریده، معروفه به موسسه اطلاعات و بخصوص "اطلاعات جوانان" مربوط است. ولی ماحق اظنیار نظر را برای خود محفوظ میداریم:

اولا - اطلاعات جوانان فقط با "اتحادیه گمونیستها" ایران به مباحثه پرداخته است. بلکه با یک رشتند از جریانات مختلف چون حزب توده، سازمان مجاهدین و دکرپییمان و... به بحث پرداخته است. معلوم نیست چرا جریده جمهوری اسلامی فقط در مورد ما و مجاهدین حساسیت نشان داده است؟ چرا زمانی که مباحثه "اطلاعات جوانان" باب بحث آزاد را با چندین شماره بی دربی از سخنان جناب کیا نوری - دبیرکل حزب توده - فتح کرد "جیغ و داد"ش در نیامد؟ چگونه است که وقتی حاسوس اعظم ایر قدرت شوروی، کسی که سرسپردگی اش به یک قدرت بزرگ امپریالیستی قابل کتمان نیست و خودش هر روز در "پرسش و پاسخ" و در جریده "مردم" اش این "اصل" حیات سیاسی اش را اذعان دارد مشغول نکته پراکنی و دفاع از امثال بهشتی ها و سبوی ها و رجا بیی ها در مباحثه اش میشود، جریده جمهوری اسلامی نطق بر نمی آورد؟ روشن است برای آنکه فعلا این حاکران اسر قدرت شوروی در صفوف "حزب الله" وارد شده اند و برای جمهوری اسلامی به تمهکشی و چمانداری مشغولند. روشن است چون خود آقای بهشتی مشغول بحث بسیار آزادانه سران اینها و برادرانشان اکثریتی های خائن در رادیو و تلویزیون هستند! و ما به ملت هشدار میدهم که این جریان نمیتواند با توطئه کودتای حزب جمهوری بی ارتباط باشد!

ثانیا - راستی نظر "برادر دعایی" در این مورد چیست؟ آیا "برادر دعایی" و دیگر کارکنان و نویسندگان اطلاعات و اطلاعات جوانان "پیام" مستبدین جمهوری اسلامی را از خلال این سطور معدود دریافته اند؟ آیا فهمیده اند که سران مستبد حزب جمهوری اسلامی آنها را تهدید کرده اند که با "کاملا در زیر برجم ما سیه میزنید یا ما شمارا در ردیف "ضد انقلاب" و "منافقین" و "توطئه گران ۲۵ خرداد" و... به حساب میآوریم؟ آیا "برادر دعایی" و دیگر کارکنان و نویسندگان اطلاعات آنقدر از شرف و حیثیت خود در گذشته اند که تسلیم این استبداد سیاه میشوند و سه میل این مستبدین قلم در دست میگیرند؟ کاری که متاسفانه پس از کودتای حزبی درست بدان مشغولند!

"برادر دعایی" و دیگر افراد گروههای از این ملک باید بدانند که برخلاف آنچه که مینویسند که گویا در زیر پرچم اسلام و امام طی طریق میکنند، خواسته یانایا خواسته به یک استبداد سیاه، به وطن فروشی و خیانت ملی در زیر پرده دین حزب جمهوری اسلامی خدمت میکنند.

پس از پیام امام بمناسبت شبیه شعبان که در آن شب "اتحادیه کمونیستهای ایران" نیز اشاره ای رفته بود ما را به "توهین به مقدسات مردم" متهم نموده بود، روزنامه جمهوری اسلامی شروع به جست و خیز کرد و سه توطئه خود یک رشتنه پرت و پلاگ مرتجعانه به خوانندگان "بسیار زیادش" تحویل داد است. هم چنین روزنامه جمهوری اسلامی با اشاره به مباحثه مجله "اطلاعات جوانان" با "اتحادیه" که حدود دو ماه پیش انجام شده است، این مطلب را نیز مورد عتاب قرار داده است. در این موارد توضیح چند نکته ضروری بنظر میرسد:

۱ - روزنامه جمهوری اسلامی مرقوم فرموده اند که "اعضای این اتحادیه با آنکه بیارکم هستند ولی از حاشن ترین و مشکوک ترین افراد مد اسلامی تشکیل شده است". کار همه را به کیش خود پندازد!

اولا آنکه خاشن ترین و مشکوک ترین افراد خدمت ایران، فدآزادی و استقلال ایران خود شما هستید! ما در صفوفمان آیت کودتای رانداریم! از استاد پیرورش مجیز کوی فرماندار نظامی اصفهان خسری نیست! از بهشتی پول بگیر نخست وزیری دوران هویدا و مشا و رسوکی مجلس محمد رضا خان، فرخ رویار سا نشانی نیست! مادر کنارمان "گروه سپاس" رجا نسی، عسگر - اولادی و... را نداریم! ما سخنویمان فلسفی - خطیب شهر آریا مهری - نیست و... این خود حزب جمهوری است که در ران، در کنار، در زیر عبا و ردایش هر چه پست بد نهاد، خاشن و مشکوک در این مملکت وجود داشته جمع شده اند. خاشن شما هستید. شما هستید که شرافت و حیثیت مردم ایران را به بازی گرفته اید، شما هستید که آنگونه فضاحت کارگزاران آمریکا بی اخلاقی دادید و بلیا رده دلار بول ملت را هم به آمریکا بی و غیر آمریکا بی و درباری های سابق بخشیدید. شما هستید که با انگلیس و آلمان و فرانسه و ژاپن و شوروی مشغول بسط روابط هستید و در پی احیای محددمای روابط دوران طاغوت میباشید، شما هستید که زندان و ساواک و شکنجه و اعدام دوران آریا مهری را برقرار کرده اید. خاشن شما هستید و ملت هم حقتان را کف دستتان خواهد گذارد.

ثانیا آنکه روزنامه جمهوری اسلامی مرقوم فرموده اند "اعضای این اتحادیه... بسیار کم هستند...". گیریم که این چنین باشد. پس چرا امام تان و خودتان مرتبا در مورد ما اظهار نفرت و انزجار میکنند؟ آیا بغیر از این است که این "تعداد کم" حرف حق را میزنند، حرفی را میزنند که چون از دل مردم برمی آید، بر دل مردم هم می نشیند؟ بغیر از آنست که تمامی توطئه های ضد مردمی و وطن فروشانه، شما را بی محاسوبی ملاحظه سر بلا کرده ایم؟ آیا شما از بس امر نمی سوزید؟ گیریم که ما خیلی "کم" باشیم، ولی آیا سوختن و هیا هو و حمال شما از آن باست نیست که میدانید از خرد است که کلاں بر میخیزد؟! و این راهم بگوئیم که مخالفت و انزجار از شما زیاد هم "کم" نیست. تمامی ملت در این نفرت و انزجار رشیک است و شما هم از همین باست دلبره دارید!

کودتاجیان حزبی به اعدام مبارزین در بند پرداخته اند

ملت ایران انتقام خون زندانیان در بندی را که ناجوانمردانه اعدام شدند باز خواهد ستاند

بیاد تمامی شهدای چند روز اخیر شعری از شهید خلق سید
سلطان نبورا انتخاب کرده ایم :

نغمه در نغمه، خون غلغل زده، تند در شد
شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد

چشم هراختربوینده که در خون میگفت
سرق خسی زدو برگزیده، شب خنجر شد :

- شب خودکامه که در بزم گزندش، گل خون

زبیررگبار جنون جوش زدو پیرپرند

بوسه بر زخم پذیردلت خونین سر

آتشینه، گل، داغ دل ما در شد -

روی شبگیرگران، ماشه، خورشید چکید

کوهی از آتش و خون موج زدو سگر شد

آنکه چون غنچه ورق در ورق خون می بست

شعله زد در شفق خون، شرف خاور شد

آن دلاور که قفس با گل خون می آراست

لسر آثر نه آمد، سخن آذر شد

آتش سینه، سوزان نوا آرا سنگان

تین تجربه آورد، تنبیا ور شد

وه که آن دل سر دلساخته، آن فتنه، سرخ

ره روان راه شگیر زدور هر شد

شاخه عشق که در باغ زمستان می سوخت

آتش قهقهه در گل زدو بار آورد

عانت آتش هنگامه به میدان افکند

آ نیمه جرم خون شعله که خاک تر شد

کودتاجران جمهوری اسلامی در بیرون و در درون زندان
به جنایت مشغولند. در قروین به روی تظاهرات کارگران شهر
صنعتی البرز رگبار گلوله می کشاید و کارگران را به شهادت می
رسانند. در تهران بروی تظاهرات کنگرگان بر علیه کودتای حزبی
آتش می کشاید و بیش از ۸۰ نفر را به خاک و خون می غلتانند.
و در زندان، تاکنون ۳۲ نفر را بدون محاکمه، بدون پرسییدن
اسامی آنها، به دم تیب پرده اند.

در سال زندانیان اعدای که به همانند تظاهرات ۳۰
خرداد انجام گرفته با نامهای آشفتگی مواجه پیشویم گسه
ماهها در زندان بوده اند سید سلطان نبورا، شاعر آزاده و مردمی
که چند ماه پیش وی را در حین عتدک - ر بودند و زندانیان پر دند
به "جرم" !! راه اندازی تظاهرات ۳۰ خرداد اعدام شد.
محسن قاضی که چند ماه پیش در مقابل سفارت فلسطین - بی از
آنکهدی عوت سازمان آزادیبخش فلسطین برای اخذ ویزا به آنجا
رفته بود - دستگیر شده و سده همین "جرم" به اعدام محکوم
مگردد. اعدام زندانیان در بند در جمهوری اسلامی همه ملت
را بیاد اعدام گروه چرتی و مجاهدین در زمان اعلام حزب فاشیستی
رسانه در سال ۱۳۵۴ می اندازد. جزئی ها و خوشدل ها فرمانی
کودنای رستا خیزی شاه شدند، و سید سلطان نبورا و محسن قاضی
و مجاهدین در بند تریانی کودتای حزبی بهشتی و شرکاء، ولسی
اگر آن کودتای فاشیستی دوام آورد، این یکی هم میا آورد.
اگر آن یکی ۳ سال وقت بردار بر اساس خراب شود، این
یکی به کمال هم نخواهد رسید. اسال سال تعیین تکلیف
است.

ملت ایران این جنایات قرون وسطایی، این اعدام های
چند ما عه را هرگز از یاد نخواهد برد و به سختی انتقام خواهد
کشید. زمان انتقام هم زیاد دور نیست.

سکاری کیه بهشتی، حامی فئودال کیه بهشتی ندادیم اینها
همه خواستهای ما است. یکی از رفقای ما از یکی از اکثریتیها
سؤال کرد که نظرت راجع به اوضاع حزب و جریان بنی صدر
چیست؟ چون او شرایط رایس دید گفت نه حزب خوب است و نه بنی
صدر. در ضمن نیروهای شرکت کننده در راهپیمایی هواداری از
بنی صدر بیشتر دانش آموزان راهپیمایی، دبیرستانی و دبیر
نی و کارگران و تعدادی از کسبه و راننده و سیکاران بودند که
اکثریت اهالی روستا را تشکیل میدهند. البته تعدادی از مردم
بی تفاوت لب خیابان ایستاده و نگاه میکردند که اینها هم گرا
یشات بنی صدری دارند. حرکت روستای رودزرد مشت محکمی بود
بردها یا وه گویان که تمام امکانات خبری را در اختیار دارند
و میگویند مردم طرفدار ما هستند.

در ضمن در این درگیری یکی از هواداران بنی صدر از ناحیه
کمر ضربه دید.

سرگ بر حزب سبک مردم فریب

خبری از رودزرد...

تهران و در سپهتان و در جاهای دیگر بر علیه حزب راهپیمایی
کردند و میخواهند عامل ارتجاع حزب را سرنگون کنند. اکثریتی
گفت اینها همه توطئه، ضد انقلاب است. اینها همه ثایع است.
کارگرد دیگری گفت اهراری هم راهپیمایی میلیونی و شعارهای
الله اکبر میلیونی مردم را خوار میدانست و میگفت اینها همه
ثایع است. اکثریت اولی میگفت شما اگر راست میگوئید داد
برنیدگرانی است شورم اس. سکاری است نه اینکه شعار
مرک بر حزب بدهید. گروهکها و این اتحادیه کمونیستها که در کل
ایران سه نفر بیشتر نیستند، استفاده میکنند. یک کارگر
شرکت حفاری و باحیمی از اهالی دادزرد ندا تحادیه خوب است و
قولش داریم و تو چکار داری که چندتا است حرف این است که
خطش درست است و مگر ما شعار دشمن آزادی کیه، بهشتی. عامل

جنایت هولناک

روز یکشنبه ۳۱ خرداد ماه، پدرو ما درک مجاهد زخمی بنا
مراحمه به بیمارستان خمینی سراغ تریژند مجاهد زخمی شان را می
گیرند. با سادارم درسدون گفتگو بطرف آنها شلیک میکند. ما در
دردمندجا بجاشهید میشود و پدرو زخمی میگردد. این پاسدار رذل
آدمکش توسط مردم دستگیر میشود. در پرونده ای که همدستان وی
بناچار برای وی تشکیل دادند شلیک گلوله را "اسافی" و بیستگام
"بک کردن سلاح" ذکر کرده اند. ای مرگ بر این آدمکشان بی -
شاموس.

شهادت

در درگیری های اخیر بین مردم و طرفداران سنی مدراز
یک سو و مردوران و جنای داران حزب حاکم از سوی دیگر در شهرهای
لاهیجان، هشتپر، رامسر و کالم کاربد سنگربندی خیابانی
رسیده است و چندین کشته و زخمی شده اند (آمار دقیقی در دسترس
نیست).

امسال...

بقیه از صفحه ۶

توانستم طوی نوظئه استنادار و فرماندار حزبی را بگیریم و
هما نظور که توانستیم پوزه ظاهرا فی مزدور و شورور را سخاک
بمالیم و سزیا ساداران مدافع حزب خائن جمهوری اسلامی
را خلع سلاح کرده و کوشمالی دهیم ضرورت با صفوف فشرده تر
و متحدتر. با برنا بدو سازماز یافتند تا برچیدن ساط دارودسته
حزب چماق بدستان به مبارزه خودا داده دهیم.

حزب خائن جمهوری اسلامی مدت ها است که ارکانهای سرکوب
خود را در کلیه واحدهای تولیدی بوجود آورده و هیچکس نیست که سه
طریقی کزندان ارباعیون را نچشیده باشد. امروز در جریان
مبارزه عظیم مردم ایران علیه سلطه حزب وارتجاع حاکم،
وقت آنست که کارگران غیرتمند و مبارز در ادمه مبارزات
مختلفی که تا بحال علیه این مرتجعین نوکیسه داشته اند، برای
بیرون ریختن جما قدران حزبی از کارخانجات برخیزند. کار
گران کارخانجات باید برای برچیدن ساط "انحن های
اسلامی" دست به اعتصاب بزنند. کارگران مبارز و خصوصاً
خانواده های عزادار کارگران شهید و زندانی میبایستی حقانیت
مبارزه ای را که امروزه در سطح تمامی شهرهای ایران از جمله
قزوین در جریان است، بس مردم سرده و نسلخ کنند و از
همشهریان خود بخوانند که همه آستین ها را بالا زده و با اتحاد
و تشکل خود حزب جمهوری و ارتجاع حاکم را سرنگون سازند.

هواداران نشریه "حقیقت"

اتحادیه کمونیستهای ایران (قزوین)

امسال سال خون است. بهشتی، سرنگون است

خبری از رودزرد رامهرمز

روستای رودزرد در ۱۵ کیلومتری شهرستان رامهرمز قرار
دارد. اهالی این روستا را دهقانان و کسبه داران و کارگران
(صنایع فولاد، بنورد، بوسا، زمان آب و برق و غیره) پوشش
محلین تشکیل میدهند. روستای رودزرد بخاطر معزومیتها بی
که در رژیم واسته، محمدرضای خائن متحمل شدخیلی زود به
صفوف انقلاب پیوست و خیلی زود با شعار مرگ پیر شاه منت محکمی
بردها، امپریالیست ها بخصوص امپریالیسم آمریکا کوسیدند.
ولذا برای رسیدن به اهداف و خواستهایشان که استقلال و آزادی
و گشتن بندهای نیمه فئودالی روز شماری میکردند و از آنجا که
حزب مردم فریب و ارتجاعی حاکم بر سر نوشت انقلاب شد و در
ماهیتش نبود که خواهی زحمتکاران بر سر هر روز بر نا رضایتی
مردم افزود و قرار دادهای اسارت آرو آزادی گروگانها ماهیت
حزب را بیشتر روغن ساخت. نیروهای آگاه و کارگران مبارز
به آگاهی زحمتکاران روستا افزودند و تنبیده مسازنه طیفاتی در
این روستا به اوج خود رسید و منتظر جرقه ای بودند تا دشمن زحمت
کشان را هدف قرار داده و آن را رسوا سازند. لذا با فتوای شعار
الله اکبر که برای گرفتن تاشیدی برای حزب مردم فریب
جمهوری اسلامی (در شب ۲۳/۳/۶۰) بود این جرفه به آتش مددل
شد و اکثر اهالی روستای رودزرد در ساعت ۹ شب با شعار مرگ
سریشتی و مرگ بر خانی و مرگ بر حزب جمهوری اسلامی دشمن
طیقاتی خود را نشان نه رفته و هدف قرار دادند و حزب الله ها که
موقعیت را وخیم دیدند و با تعدادی نیروی کم به راهیماشی
برداختند. حبه هواداری از سنی صدر خودشان را متشکل و به راه
بیمانی بردا ختنند و حزب اللهی ها در روی سک کوه و مردم پشنتیبا ن
سی صدر در روی کزه رو بر علیه هم شتا رمیدادند و ناگفته
نماند که روحانی محل میخواست طوی این راهیماشی را بگیرد
و مردم مصمم به راهیماشی خودا داده و در سر کرده در خیابان
اصلی تجمع کرده و شعارهای برضدارتجاع حاکم میدادند حزب
اللهی ها خودشان را وارد این راهیماشی کرده و میخواستند
درگیری بوحود بیاورند. ولی با شعار مرگ سریشتی صدای آنها
در گلو خفته شد این راهیماشی تا ساعت ۱۰ شب ادا شد و از
طرف تبلیغات حزبی فیلمی سنام سنگیر برای آرام کردن
و خواباندن این مبارزه آوردند که مردم به پشتیبانی از رئیس
جمهور با شعار مرگ سریشتی، حزب چماق بدستان باید بگریه
گورستان و مسلمان ببا خیز حزب شده رستاخیز، ماشین حزبیها
را تا جلو مسجد مایعت کرده و نیروهای باقی مانده در مورد اوضاع
داخلی بحث میکردند که اینکه حزب جمهوری اسلامی میخواهد یک
کودتا بر علیه بنی صدرونیروهای انقلابی راه بیندازد که ۲ نفر
از هواداران اکثریت فدایی در مقام مردم موضع گرفتند و
میگفتند چرا راهیماشی میکنید، جنگ است و بشفخ آمریکا است
که یکی از کارگران صنایع فولاد گفت ما با شما اکثریتی ها که
معلومند کی هستند، خیانتکارها حزب داروغارت میکنند و سیکاری
را زیاد میکند، دست محتکران و سرمایه داران را برای چساول
ساز میکند و شما میگوئید جنگ است و به اسم جنگ میخواهید مردم
را شیره بمالید و یکی از اکثریتی ها گفت آن بچه که سرش نمیشه
چه میداند حزب چیست، بنی صدر چیست که راهیماشی راه میداند -
زید. کارگر مبارزی از شرکت نفت گفت "رفیق" سر مردم در

اخبار...

بقیه از صفحه ۱۲

زودیراکنده میشود. پس از این زاهدیمائی یکی از هواداران محاهدین که قبلا شناسایی شده بود توسط مرتجعین حزبی چاقو میخورد که گویا حالتی وخیم است.

در همین روز در جها راه مدرسه ساعت ۶ بعد از ظهر تعدادی جماعت را "حزب اللهی" (حدود ۳۰۰ نفر) بعد از سخنرانی خمینی در شهر راه افتاده و شروع به عریسه کشی و شعار دادن به نفع دولت و حزب و مجلس ارتجاعی و حمایت از خمینی میکنند تا باعث رعب و وحشت مردم شوند. با کوچکترین بهانه ای جوانان را از بسین مردمی که با نفرت آنها را تماشا میکردند. بیرون کشیده و کتک میزدند. نیروهای مترقی و از جمله هواداران اتحادیه در بسین مردم شروع به افتاگری از آنها میکنند. در بسین "حزب اللهیها" (مردوزن) هواداران فدائیان اکثریت از همه آتشی تری بودند و سلند تر نعره میزدند.

■ به شنبه ۲۶ خرداد - از ساعت حدود ۱۰ تا ۱۰/۴۵ سحر از ظهر در چهل متری دولت آباد (م. زخمکن نش. در حومه) کرمانشاهان) حدیدین نفر از جوانان مبارز و هواداران اتحادیه تجمع کرده و شروع به دادن شعارهای انقلابی و ضد حزب خائن و بن فروش دولت و مجلس وابسته به آن و حمایت از سنی ضدمی کنند. عده ای از مردم نبره آنها پیوسته و به ۲۰۰ نفر میرسنده. سقیه مردم نیز برای آنها کف میزنند. چند درگیری نیز با چاقو کشان ارتجاع ستر ما بد که در یکی از آنها جاقوی فرحمله کننده از دستش گرفته میشود. این فرد سز دورگی ار هواداران دارو دسته روس پرست فدائیان اکثریت بوده که از افتاگری به عمل ما بد مردم علیه او و اربابان شرع مدهد. در انتیای مردم بهیج وجه خواهان ترک محل و پیمان دادن به تظاهرات نبودند. پس از آن در بسین مردم اعلامه های انقلابی پخش میشود که مورد استقبال قرار میگردد.

■ چهارشنبه ۲۲ خرداد - ساعت ۶/۱۵ در حوالی میدان آزادی (از مقابل تنی بی تنی) مردم شروع به راهپیمایی کرده و شعار درود سنی مدره حزب جماعتیستان باید بره برزستان و... میدهند. مردم از شیرینی فروشی نزدیک آنها شیرینی خریده و بروی سرتظا هر کنندگان مبریزند. حزب اللهیها کمک پایی داران و... ازشت به جمعیت عمدتا زنان و دختران) حمله کرده و تعدادی را با کاردوینجه بکسی... میزنند و شیرینی فروشی را نیز داغان میکنند.

در همین روز مردم و نیروهای مترقی، محاهدین و اتحادیه کمونیستها، دست به یک راهپیمایی از حوالی به راه شریعتی به طرف میدان شهناز سابق میزنند. در میدان درگیری مینسود و مردم در مقابل جماعتاران سائرتاب سنگ از خود دفاع میکنند و دریک یورش موفق میشوند آنها را فراری و میدان را تحت کنترل در آورند و سپس یک دکه وابسته به حزب جمهوری را داغان میکنند و به دفتر حزب خائن در همان حوالی نیز حمله کرده و شیشه های آنرا می شکنند. در این هنگام مزدوران حزب اللهی که توسط پاسداران و... تقویت شده بودند با چند ماشین (آهو و...) از پشت به صف جمعیت میزنند که به نفر دختر را زیر میگیرند و گویا ۲ نفر از

آنها شهید شده اند. مردم خمگین دوتا از ماشین ها را نیز خرد میکنند. راننده یکی از این آهوها شناسایی شده و مزدور اکسریستی است. دیگر مزدوران روس پرست نیز در بسین جماعتاران زیاد دیده شده اند. بعد از حدود نیم ساعت جمعیت پراکنده میشود. ■ شنبه ۳۰ خرداد - در این روز مجددا در مقابل تنی سنی تظاهرات کوچکی عمدتا از زنان و دختران برپا میشود که حزب اللهیها و حبشیان با چاقو وینجه بکسی به آنها حمله میکنند و تعدادی نیز دستگیر میشوند.

روز چهارشنبه در تظاهراتی که در خیابان شریعتی با شعارهای بنی مذبذبانه در نمازینت می کنیم بر راه افتاد مردم خمگین دکه نشیات حزبی را درهم شکستند و دکه دارش را تنبیه کردند. سپس به دفتر حزب جمهوری در همان خیابان حمله کرده شیشه های آنرا شکسته و او را تومیل متعلق به حزب را خرد کردند و جماعتاران را سواری نمودند. از شعارها و دیگر این تظاهرات: این مجلس کذابی سطل را سد کرد و مرک برینسی بود. اس تظاهرات با همکاری محاهدین و اتحادیه کمونیستها تری شده بود.

اهدان

در روز شنبه ۲۴/۳/۶۰ جمعی سحر از ۱۰ هزار نفر در میدان خمینی - خیابان سوعلی - آرامگاه سوعلی احتماع کرده و شعارها به طرفداری از سنی صدر و بر علیه حزب جمهوری اسلامی میدادند که سر و کله جماعتاران قدراره بشد پیدا شده و ما مردم درگیر شدند. در نتیجه جماعتاران تعدادی از خمی به جای گذاشتند البته از مردم نیز تعدادی زخمی شد. سدسبال درگیری حزب جماعتاران قانونی خود را (کمیته) وارد میدان کرد و شروع به دستگیری و تیراندازی و سرتاب گنازاشک آور نمود. اما نتوانست از عهده مردم انقلابی سز آید. در نتیجه آنها محل تظاهرات را ترک کردند و تا اس محل در دست تظا هر کنندگان بود.

■ روریک شبه خمینی سز ار خمینی زور فسل به هیس محل آمد و وسطو پورا کنده در نقاط مختلف این خیابان و دو میدان دیگر شعارهایی سر علیه حزب و سرفرداری از سنی مدرانست. تا شب چندین بار با جماعتاران و کمربندی ها زد و خورد صورت گرفت و بعد از سزراکنده شدن جماعتاران و روسی کمیته چیها جمعیت به راهپیمایی به طرف جها راه عباس آسا بدرداخت. البته عده ای از جماعتاران دوباره احتماع کرده و به سدسبال جمعیت سز راه افتادند ولی دیگر زد و خوردی رخ نداد.

■ روزهای دوشنبه و سه شنبه اوضاع آرام بود، البته طبق معمول جمعیت به میدان خمینی آمده بودند.

■ روز چهارشنبه در خیابان سوعلی هواداران محاهدین به راهپیمایی پرداختند و ما جماعتاران درگیر شدند و تعدادی از دوطرف زخمی شد.

دستگیری افراد فعال در این تظاهرات ها هر روز ادامه دارد و در این هفته به سز ارسی نظرسیده است.

جماعتاران افراد فعال را شناسایی کرده و در جاهای خلوت آنها را محاصره کرده و کتک میزنند.

یکی از رفقای ما را نیز در یکی از ایستگاههای خط محاصره کرده و او را کتک زده بودند به طوری که رفیق ما بر روی زمین افتاده و مدتی سی حال شده بود.

ایران در جوش و خروش اخبار چند روز اخیر

تهران

■ اوایل این هفته در فرجک و رامین حدود ۲۴ تظاهرات شبانه به هواداری ارسنی مدرو علیه حکومت گودا صورت میگردد، که همه به زد و خورد کشیده میشود. در آن هر هفته نیز مردم مجدداً بیرون آمده و شبانه با چوب و چماق میخواستند به کمیته قرق حمله ور شوند که با سداران خود شروع شهرری و نازی آباد و... به آنجا ریخته و با شلیک و ضرب و شتم از حرکت مردم جلو میگیرند.

■ روز شنبه ۳۰ خرداد تظاهرات عظیم مردم و مجاهدین خلق نقاط متعددی ارسیر راه سدار مبارزه قیر ما تا نه ما ارسیر گودتا گرجا کم و اادی مسلح آن تبدیل کرده بود. نمنا در خیابان انقلاب حدود ۲۰۰ هزار تفرقه تظاهرات پرداختند و همزمان با آن در سدان اما م حسین و حوالی آن، پیچ شمیران، توخانسه، محل دستر همکار بهای مردم با رشی جمهور و نقاط دیگر جمعیت های مردم با او باش حماسه را و بیاداران وارد درگیری شدند. مزدوران کمیته و با سدارها در نقاط متعددی در میدان فردوسی، چهار راه مصدق، فخر آباد و غیره و همچنین پانگرفتن سر بالای سا مینا نا حواس مردانه مردم را با تیر با رکا لبر ۵۰، ژ ۴۰ و کلانشلیک به رگا رگلوله بستند و دهها نفر را کشته و صدها زخمی بحای گدانسد. بوده مردم خشمگین سیره تلافی این قتل های نا حواس مردانه گروهی از حاق قدران خاشن و اادی مسلح گودتا را در رگ واصل کرده و عده ای از ایشان را پیا دکتسک گرفتند، تا بدندان آسده احتساب نامذرا بر سمت مطرتیای آدمک را یا دآورشان کرده باشند. در این میان هادی غفاری این ملعون دیوانه، دوانه و ارسا ختمنا راپه رکسار گلوله می بست و سراسر هس فرقی همیگرده که هکسی را آساج گلوله های خاشناسه، حوس قرار میدهد.

در میدان توخانسه سیزدهمین روز میان جمعیت انبوه مردم و با سداران ارتجاع درگیری بوجود آمد، با سداران نا حواس مردانه مغز جواسی را متلاشی کردند. مردم دورا و جمع شدند و با سدارانی را که قصد بیرون حنا زه، وی را داشتند تاراندند و عده ای از آنان را سا دکتک گرنستند و مزدوران مسلح وحشت زده در حالیکه زخمی و خونی لاشه های خویش را از محل دور میگردند عقب نشستند.

شنبه شب همین روز (۳۰ خرداد) ساعت ۹ شب جمعیت زیادهای در تهران سارس برشت با مهارفته و با شعارهای درود بیس سنی مدرو مرگ سربشستی اس منطقه از شهر را سمدت بکرسس سع ساعت لرزاندند.

■ شماره دوتا ارماتین های کمیته:

سزمنکی شماره ۶۷۲۳۹۹ / تهران - د
جیب آهوا کستری شماره ۲۴۳۳۵۵ / تهران

■ روز یکشنبه ۳۱ خرداد ساعت ۱۲/۳۰ نیمه شب کمیته چی هسا و با سدارها سرای ایحادرعب و وحشت در دل مردم در اکثر مناطقی تهران سمدت نیم ساعت تیراندازی هواسی کردند. آنها بی خبر از آنند که مردم قهرمان ایران دیگر به تیرو تفنگ عادت کرده اند

و این تلاش های مذبحو حانه بجاشی نخواهد رسید. با زدره مین روز و بیهمین مقصود در شمیران نا بلندگسوا اعلام سبکردند که از ساعت ۹ شب حکومت نظامی است و تنهها نا شینها شی که کارت ویژه دارند میتوانند بعد از ساعت ۹ حرکت کنند. طبعاً این کارها برای شمیرین حکومت نظامی در آتیه نزدیک است؛ تقلید احقانه ای از تلاشهای بی شمار هاری خاشن که ایضاً بی شماری خود را ثابت خواهد کرد.

■ طبق مشاهدات عینی و همچنین گفته یکی از ماوریسین کمیته (دوشنبه یکم تیر ماه) تنها در اوین دست کم سه هزار نفر طی روزهای اخیر گرفته و زندانی کرده اند، که ده نفر، ده نفر با زرسی میثویند و سقول خودشان "باگناها" فوراً اعدام و "سی گناها" آزاد میشوند. ما موران مسلح کمیته و زندان سطرز سبشرا نه ای با خا نواده هاشی که برای دیدار یا اعتراض به دستگیری فرزندان شان به زندان میخواستند بیایدن در رفتاری میکنند؛ گاه و حشیا نه جا در از سردختران و زنان. مراجعه کنند میکشند و گاه آنها را سا دکتک میگیرند. در پیزشکی قا نونی در همین روز سنا دهه شده که سبیرا ۱۵ نفری که در آن روزها روز بیشتر اعدام کرده بودند ۲۸ جنازه دیگر نا شناس موجود بود، که از این عده ۸ نفر آنها دختران جوانی بودند که سطرز فجیعی کشته شده بودند. یکی از شهیدای سسر علاوه بر شکنجه یک یا بیش هم قطع شده بود. مردم مرتاً آهسه و زمزمه و اوعده های هم با صدای بلند و عصا نسی از خمینی گرفته تا تمام دستگاه حکومتی را دشنام میدادند و ماوری خمینی را نفرین میکرد.

گرماسهان

(از شنبه ۲۳ خرداد تا شنبه ۳۰ خرداد)

■ شنبه ۲۴ خرداد حدود ۲۰۰ نفر از هواداران مجاهدین خلق و مردم در این روز از خیابان اربابی تا جوان شیر و از آنجا تا میدان آزادی (گاراژ) راه پیمائی کردند. و گویا در میدان قطعنا مه ای نیز خواننده شده است (حدود ظهر). در این روز درگیری مهمی پیش نمی آید و شعارها بر ضد حزب جمهوری و در حما بست از بنی صدر بوده است.

■ یکشنبه ۲۴ خرداد در ساعت ۷/۱۰ بعد از ظهر بیش از ۱۰۰ نفر از هواداران مجاهدین شروع به دادن شعارهای ضد حزبی و حمایت از رشی جمهور میکنند و سپس از طرف جنوب میدان گاراژ بطرف شمال حرکت میکنند و در حوالی ایران ناسیونال مردم به آنها پیوسته و نزدیک به ۸۰۰ نفر میشوند. دیگر مردم تظاهرات میکنند. گان را سا کف زدن تشویق میکنند و بعضی بر سر آنها شیرینسی میریزند و گان رگران آن حوالی نیز از آنها حمایت میکنند. چما قدران حزبی به صفوف راه پیمایان حمله میبرند و بویسزه دختران را بشدت کتک میزنند. همچنین مردم و گاراگرنی را که حمایت کرده بودند مورد ضرب و شتم قرار میدهند.

■ دوشنبه ۲۵ خرداد ساعت ۶/۵ بعد از ظهر مجدداً حدود چند صد نفر از هواداران مجاهدین و مردم راه پیمائی میکنند (حوالی با سا ژنر) که با حمله چما قدران (بقیه در صفحه ۱۴)